

ثبت دائمی

ادوارد اسنودن

میر حواد سید حسینی

www.ketab.ir

سرشناسه:	اسنودن، ادوارد ج، ۱۹۸۳ - م Snowden, Edward J
عنوان و نام پدیدآور:	ثبت دائمی / ادوارد اسنودن؛ ترجمه‌ی میرجواد سیدحسینی
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۴۲۸ ص
فروست:	سلسله انتشارات - ۲۰۷۳، شناخت‌نامه و خاطرات - ۸۱
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۲۰۱-۸۴۴-۳
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Permanent Record, c 2019
موضوع:	اسنودن، ادوارد ج، ۱۹۸۳ - م
نوع:	Snowden, Edward
موضوع:	ایالات متحده، آژانس امنیت ملی - کارمندان و کارکنان - سرگذشت‌نامه
موضوع:	National Security Agency-Officials and employees United States-Biography
موضوع:	افشاگری - ایالات متحده / Whistle blowing-United Stae
موضوع:	جاسوسی آمریکا - ایالات متحده / Espionage, American-United State
شناخت‌نامه:	سیدحسینی، میرجواد، ۱۳۴۴ - مترجم
رده‌بندی ده‌گانه:	JF ۱۵
رده‌بندی دیویی:	۳۷/۱۳۷۳۰۰۹۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی:	۹۰۴۱۰۵

نشر قطره از برچسب برای تغییر قیمت استفاده نمی‌کند.

تمامی حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخ‌لر، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۸۸ ۹۷۳۳۵۱-۳

nashr.ghatreh@yahoo.com / ghatrehpub



ثبت دائمی

ادوارد استودن

مترجم

میرجواد سیدحسینی

صفحه آرا: ژیلای پی سخن

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ: قشقای

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۵۵۰۰۰ تومان

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۹	بخش اول.....
۲۱	فصل ۱: خواه کردن از پشت پنجره.....
۳۱	فصل ۲: دیوار نارنجی.....
۴۹	فصل ۳: پسر بیست و یک ساله.....
۵۷	فصل ۴: آمریکایی آن دین.....
۷۲	فصل ۵: هک کردن.....
۸۶	فصل ۶: کامل نیست.....
۹۷	فصل ۷: یازده سپتامبر.....
۱۰۸	فصل ۸: دوازده سپتامبر.....
۱۱۶	فصل ۹: اشعه های ایکس.....
۱۳۰	فصل ۱۰: پاک و عاشق.....
۱۴۳	بخش دوم.....
۱۴۵	فصل ۱۱: سیستم.....
۱۵۲	فصل ۱۲: انسان قراردادی.....
۱۶۶	فصل ۱۳: تلقین فکری.....
۱۸۷	فصل ۱۴: کُنْتِ هیل.....
۲۰۳	فصل ۱۵: ژنو.....

۲۲۱	فصل ۱۶: توکیو
۲۵۰	فصل ۱۷: خانه‌ای روی ابر
۲۷۰	فصل ۱۸: روی نیمکت
۲۷۹	بخش سوم
۲۸۱	فصل ۱۹: تونل
۲۸۸	فصل ۲۰: ضربان قلب
۲۹۸	فصل ۲۱: افشاگری
۳۱۵	فصل ۲۲: رکن چهارم دموکراسی
۳۳۲	فصل ۲۳: بخوان، بنویس، اجرا کن
۳۴۳	فصل ۲۴: رمزگذاری
۳۵۴	فصل ۲۵: پسر
۳۶۷	فصل ۲۶: درگ، درگ
۳۸۰	فصل ۲۷: شو
۳۹۳	فصل ۲۸: از خجرات سندرس میلز
۴۰۸	فصل ۲۹: عشق و تب
۴۲۳	سپاسگزاری‌ها
۴۲۹	درباره نویسنده

پیشگفتار

نام من ادوارد جوزف اسنودن است. من قبلاً مجبور بودم برای دولت کار کنم، اما حالا برای مردم کار می‌کنم. نزدیک به سه دهه طول کشید تا تشخیص دهم بین این دو سزای وجود دارد و وقتی حقیقت را فهمیدم، این موضوع باعث دردسر من در محیط کار شد. در نتیجه، الان وقت خود را صرف تلاش برای محافظت کردن مردم در مقابل شخصی می‌کنم که قبلاً بودم، یعنی جاسوس آژانس اطلاعات مرکزی سیا (سی. آی. ای)^۱ و آژانس امنیت ملی (ان. اس. ای)^۲، تکنیسینی - راز - میان صدها تن دیگر که برای ساختن آنچه مطمئن بود دنیای بهتری خواهد بود تلاش می‌کرد.

شغل من در جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا (آی. سی. آی) تنها هفت سال کوتاه طول کشید و من متحیر شدم وقتی فهمیدم تنها یک سال بیشتر از زمان تبعیدم به کشوری است که انتخاب من نبوده است. بااین حال، من طی آن هفت سال، در مهم‌ترین تغییر در تاریخ جاسوسی آمریکا، یعنی تغییر از نظارت هدفمند افراد به نظارت گسترده‌ی تمام شهروندان، شرکت کردم. من

1. Central Intelligence Agency (CIA)

2. National Security Agency (NSA)

3. American Intelligence Community (IC)

با بهره‌مندی از فناوری کمک کردم تا دولت بتواند تمام ارتباطات دیجیتالی جهان را جمع‌آوری کند، آن‌ها را برای سالیان سال ذخیره کرده و هر وقت بخواهد در آن‌ها به جستجو پردازد.

پس از ۱۱ سپتامبر، آی. سی به دلیل محافظت نکردن از مردم آمریکا در مقابل مخرب‌ترین و ویرانگرترین حمله به کشور پس از پرل هاربر^۱ (در زمان بود) گناهکار به‌نظر می‌رسید. در مقابل، تلاش رهبران کشور، ایجاد سیستمی بود تا مانع از وارد شدن آسیب دوباره شود. پایه و اساس این اقدام فناوری بود، چیزی که برای ارتش، بزرگان علوم سیاسی و استادان مدیریت تجارت آن‌ها، بر غریبی بود. درهای مخفی‌ترین آژانس‌های اطلاعاتی به روی تکنیسین‌های امنیتی مانند من باز شدند و به این ترتیب، حرفه‌ای‌ها بازی را در اختیار گرفتند.

در آن زمان هر کسی که می‌دانست و کامپیوتر را می‌شناخت، به سرعت رند می‌شد. من در بیست و دو سالگی، اولین مقام عالی و مجوز مخفی در آن، اس. ای. را برای موقعیتی در پایین‌ترین رتبه‌ی جدول سازمانی احراز کردم. کمتر از یک سال بعد، من مهندس سیستم با دسترسی گسترده به برخی از حساس‌ترین سک‌های روی کسره‌ی زمین در سازمان سیا بودم. تنها سرپرست مسن ما مردی بود که نوبت کاری خود را صرف خواندن کتابچه‌های رابرت لادلوم^۲ و تام کلنسی^۳ می‌کرد.

مؤسسات در تلاش برای استخدام استعدادهای فنی تمام‌عنوانین خود را زیر پا می‌گذاشتند. آن‌ها معمولاً کسی را بدون مدرک لیسانس یا بعدها حداقل بدون معرّف استخدام نمی‌کردند، که من هیچ‌کدام را نداشتم و طبق قوانین هرگز نباید پا به آن ساختمان می‌گذاشتم.

از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ من به‌عنوان یکی از تکنیسین‌های نادر در شغل

1. Pearl Harbor

2. Robert Ludlum & Tom Clancy

خود در پوشش سیاسی در سفارت آمریکا در ژنو مستقر شدم. وظیفه‌ی من این بود که با آنلاین کردن، دیجیتالی کردن و خودکارسازی شبکه‌های اروپایی‌ای که دولت آمریکا از آن برای جاسوسی استفاده می‌کرد، سیار را به سوی آینده هدایت کنم. نسل من کاری بیش از طراحی مجدد کارهای اطلاعاتی را انجام داد؛ ما ماهیت اطلاعات را به طور کامل بازتعریف کردیم. برای ما موضوع جلسات مخفی یا مرگ‌های ناگهانی اهمیت نداشت، بلکه مسئله‌ی داده‌ها مطرح بود.

در بیست و هشت سالگی، من کارمند اسمی شرکت دل^۱ بودم، اما هنوز هم برای آن. اسمی ای کار می‌کردم. پیمانکاری پوشش من بود، همان‌طور که پوشش مربی^۲ امام جاسوسان فنی همکارم هم محسوب می‌شد. من به ژاپن اعزام شدم و در آنجا به طراحی پشتیبان‌گیری جهانی^۳ کمک کردم - شبکه‌ی گسترده‌ی پشتیبانی که اطمینان می‌داد حتی اگر دفتر مرکزی آژانس امنیت ملی آمریکا با انفجارها و آتش‌سوزی‌ها خاکستر هم بشود، باز هم هیچ اطلاعاتی از دست نمی‌رود. در آن زمان من نمی‌دانستم که مهندسی برای ثبت دائمی زندگی تمام مردم، شبهه غم‌انگیزی است.

در بیست و هشت سالگی به ایالات متحده بازگشتم و با هدایت تیم اتصال فنی روابط دل و سیما، پیشرفت فوق‌العاده‌ای کردم. کار من برگزاری جلسه با رئیس بخش‌های فنی سازمان سیما برای طراحی، فرستادن و ارائه‌ی راه‌حل برای هر مشکلی بود که بتوان تصور کرد. گروه من به آژانس کمک می‌کرد تا نوع جدیدی از معماری محاسباتی به نام «ابر»^۴ را طراحی کند. این رئیس فناوری بود که هر آژانسی را قادر می‌ساخت بدون توجه به مکان فیزیکی و مسافت خود، امکان دسترسی و جستجو در داده‌های مورد نیاز خود را داشته باشد.

1. Dell

2. global backup

3. Cloud